

پیشکسوت معدن کاری؛

کارها تلاش می کردند

و طراحی بود و الان هم یکی از برترین شرکت‌های ایران است.

در واقع تجربه‌ی مس دور ریخته نشد و یک جا جمع شد.

دقیقا. آقای کلاهدوز در این زمینه خیلی به مس خدمت کرد.

آقای مهندس، اگر به سال ۵۸ برگردید تصور می‌کنید با اتکا به خودتان و نیروهای مجتمع بتوانید کارخانه را راه‌اندازی کنید و کاری کنید که امروز شاهد ثمراتش باشید؟

باور کنید بله. همان موقع این احساس را داشتم. نیمه‌ی اول آذر ۵۷ بود یک روز وقتی به دفتر کارم رفتم متوجه شدم تعدادی فرم روی میز است. از آبدارچی سوال کردم این‌ها چیست؟ گفت آقای بن‌مایر آورده، گذاشته و رفته؟ از بن‌مایر درباره‌ی فرم‌ها سوال کردم گفت فرم‌ها برای اقامت و کار در آمریکا است. گفتم من آمریکا را دوست ندارم. این مملکت خیلی برای من خرج کرده تا به اینجا رسیدم. باید این‌جا باشم. حتی گفتم ما می‌دانیم خانم تو اسلامی است و شاید آمریکا را دوست نداشته باشد. ما یک کار هم در عربستان سعودی داریم ماهی سه هزار و ۵۰۰ دلار به تو می‌دهیم و تمام خرج زندگی‌ات را هم می‌دهیم. گفتم امکان ندارد برای آن‌ها کار کنم. شاید اگر همه‌ی کارهایی که در این مدت کردم و اتفاقاتی که افتاد و برنامه‌هایی که پیش آمد را تصور می‌کردیم، وحشت می‌کردیم اما من خیلی مطمئن بودم. از راه‌اندازی کارخانه مطمئن بودم ولی فکر نمی‌کردم یک دفعه من تنها مسئول سرچشمه باشم و سه و نیم کیلومتر خط ۱۳۲ کیلوولت فشار برق یک شب قطع شود. بعد از بازنشتگی من این اتفاق افتاد. آن زمان سرچشمه سه مدیر بیشتر نداشت؛ مدیر معدن، کارخانجات و مهندسی. من مدیر معدن بودم، آقای سلاجقه مدیر کارخانجات بود و آقای

تبریزی مدیر مهندسی. موقع بازنشتگی آقای تبریزی رفت ایتالیا و آقای سلاجقه رفت شرکت سرمایه‌گذاری. آقای کلاهدوز به من گفت تو نرو و بمان و من ماندم. بهمن ماه ۷۱ بود، یک شب با آقای رئیس‌زاده، رئیس معدن در معدن بودیم، ساعت دو نیمه شب بود وقتی به شهرک آمدیم برق قطع شد. برق کل شهرک قطع شد اما کارخانه مشکلی نداشت. گفتم امشب این‌جا از سرما می‌میریم. برگشتیم شهرک و در دفتر بهره‌برداری خوابیدیم. ساعت پنج صبح از دیسپاچینگ تماس گرفتند و گفتند برق خاتون‌آباد و شهرباک قطع شده است. گفتم تا روشنایی هوا صبر کنید. هوا که روشن شد رفتیم به طرف شهرک و دیدیم دکل‌های برق همه زیر بیش از یک متر برف خم شدند. با آقای کلاهدوز تماس گرفتم و گفتم این اتفاق افتاده است. گفتم ستادی تشکیل بده و به عنوان رئیس ستاد موضوع را مدیریت کن، من هم با آقای مرعشی استنادار کرمان و آب منطقه‌ای تماس می‌گیرم که هر دو گوش به فرمان تو باشند. ما بلافاصله تمام شیرهای آب را بستیم. فقط آب برای ذوب خیلی مهم بود. یک موتور یدک را هم روشن کردیم که مقداری آب برای کارخانه ذوب و پالایشگاه تامین می‌کرد. اگر برای ذوب اتفاقی می‌افتاد به این

زودی درست نمی‌شد. دو گروه از بچه‌های برق منطقه‌ای کرمان و سیرجان آمدند و ما ظرف مدت ۱۳ روز و نیم، سه و نیم کیلومتر خط ۱۳۲ کیلوولت فشار قوی را در یک متر برف زدیم. کاری که تقریباً غیرممکن بود. در این چند روز چند باری که من به خانه رفتم فقط برای دوش گرفتن بود. ۱۳ روز بعد برق وصل شد. آقای سلطان‌نژاد رئیس برق خیلی زحمت کشید. مرحوم آقای شریعتمدار هم می‌آمد. یک شب گفت چطور است از افغان‌ها کمک

بگیریم. من گفتم کسی حاضر نمی‌شود این‌جا کار کند اما اگر می‌خواهید امتحان کنید. رفتند اردوگاه افغانی‌ها و یک مینی‌بوس از کارگران افغانی آوردند. آقای شریعتمداری به آن‌ها گفت ما امشب چند تا مرده داریم؛ می‌خواهیم قبر بکنیم! برای کندن هر قبر چند می‌گیرید؟ گفتند ۱۰ هزار تومان. گفت من برای هر قبر ۱۰۰ هزار تومان می‌دهم. اما هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته بود که کارگران افغانی به دلیل سرمای شدید حاضر نشدند بمانند. در آن سرما ما در سه و نیم کیلومتر، سه خط جدا زدیم و برق را وصل کردیم. عصری که برق وصل شد بچه‌ها گفتند خط را داغ کنید. رفتم بالای دروازه‌ی جلیلی گفتم استارت کنید. استارت که کردند و آب پایین ریخت خیالم آسوده شد و از همان‌جا آمدم کرمان. یادم نیست چیزی خوردم یا نه؟ خوابیدم، و یادم هست زمانی که بیدار شدم خانمم گفت چهار روز است که خوابیدی! این‌ها را فکر نمی‌کردیم؛ ولی از پس این کارها برآمدیم. خدا خیلی کمک کرد. تابستان خط اصلی را کشیدند. ناچار بودیم خط موقت اجرا کنیم. در آن هوا امکان طراحی نبود و بیشتر از ۱۳ روز طول می‌کشید.

شما که در معدن بودید اوایل راه‌اندازی حجم عملیات خیلی محدود بود ولی بعد به مرور کارخانجات راه افتادند

زمانی که تغلیظ بودم دو تا آسیاب بود، اما روزی که بیرون آمدم هر هشت آسیاب کار می‌کردند. این‌ها را بازسازی کردیم.

این بازسازی‌ها توسط خود شما بود؟

اکثراً توسط ایرانی‌ها انجام شد. در قسمت تغلیظ، راه‌اندازی و بازسازی پمپ، لاینر، توری آسیاب و ... خارج از سرچشمه و در شهرهایی مثل اراک توسط ایرانی‌ها انجام شد.

اگر مشکلی ایجاد می‌شد و یا دستگاه‌ها خراب می‌شدند شما چه کار می‌کردید؟

بچه‌های ما زورشان بیشتر بود. وقتی مشکلی پیش می‌آمد اگر مدیریت درست بود کارها درست انجام می‌شد. سرچشمه عیب بزرگی که به نظر من در این مدت داشت مدیریت‌های مختلف بود. مدیریت‌های بسیار تا بسیار عالی و متأسفانه مدیریت‌های بسیار بد. زمانی که مدیریت‌های سرچشمه خوب بودند همه کار می‌شد و هیچ کاری نشد نداشت.

یک دوره‌هایی فعالیت‌های شما خیلی اوج می‌گرفت، می‌شود اشاره کنید چه دوره‌هایی داشتید؟

قبل از انقلاب و زمان آقای توکلی سرچشمه در اوج بود. بعد از انقلاب زمان آقای مداح که مرد بسیار خوبی بود، آقای مهندس شیری آدم بزرگی بود و خیلی به سرچشمه کمک کرد. زمان آقای اصلانی هم خوب بود و بالاتر از همه زمان آقای کلاهدوز بود. کلاهدوز یک سر و گردن بالاتر از همه‌ی این‌ها بود. مجموعاً مدیران سرچشمه مدیران خوبی بودند این اواخر هم افتاد دست کرمانی‌ها مثل آقای مؤذن‌زاده و مرادعلیزاده. واقعا همه چیز دست مدیر است. اگر مدیر سرچشمه قدر و توانا باشد همه کار می‌توان انجام داد.

و اگر سخنی باقی مانده است بفرمایید؟

ما که کارمان تمام است اما خدا به بچه‌هایی که الان هستند عشق و علاقه و از خود گذشتگی بدهد که به فکر این مجموعه باشند؛ نه به فکر خودشان. حیفاً است. اگر آن زمان کاری در ذوب پیش می‌آمد همه تلاش می‌کردند و نمی‌گفتند مربوط به من نیست. الان هم نیاز است همه تلاش کنند و این حس را خدا در جوانان ما قوی‌تر کند.

خبر

دوشنبه ۱۲ دی‌ماه در کرمان؛

مهندس احمدی نژاد پیشکسوت صنعت مس در گذشت



گروه جامعه: مهندس «احمد احمدی‌نژاد» معدن‌کار پیشکسوت صنعت مس دوشنبه ۱۲ دی‌ماه پس از یک دوره کوتاه بیماری در سن ۷۳ سالگی درگذشت. او در سال ۱۳۲۸ در کرمان به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان و تحصیلات دانشگاهی را در تهران به انجام رساند، و در خرداد سال ۵۳ به مجتمع مس سرچشمه پیوست.

روانشاد احمدی‌نژاد از معدود مهندسان ایرانی بود که پس از مدت کوتاهی جایگزین یکی از کارشناسان آمریکایی شد. او در طول خدمت خود در مجتمع مس سرچشمه علاوه بر مدیریت معدن مس سرچشمه، مدیریت امور تغلیظ را در یک دوره بحرانی برعهده داشت.

به گزارش استقامت، احمدی‌نژاد در شهریور ۷۱ به همراه جمع بزرگی از کارکنان باسابقه مس بازنشته شد، اما به‌رغم بازنشتگی، مجتمع مس سرچشمه همچنان او را در مشاغل مدیریتی و کارشناسی حفظ کرد. او در سال ۷۲ به همراه جمعی از نیروهای ورزیده و سرشناس صنعت مس، شرکت معدنکاری اولنگ را با مشارکت شرکت سرمایه‌گذاری مس سرچشمه تأسیس کرد، و طی دفعات طولانی در نقش مدیرعامل و در مواردی در نقش عضو هیات مدیره، اولنگ را به یکی از بزرگ‌ترین هولدینگ‌های معدنی کشور تبدیل نمود. روح بزرگش شاد و یادش گرامی باد.

هفته‌نامه استقامت و پایگاه خبری فردای کرمان این مصیبت اندوهبار را به خانواده، همکاران و نسل پیشران صنعت مس تسلیت می‌گوید.

تسلیت

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

امروز مردی را به سینه سرد خاک سپردیم که مرگ اندوهبارش بسیاری را داغدار کرد. مرحوم مهندس احمد احمدی نژاد مدیر دوران‌های دور معدن و تغلیظ مجتمع مس سرچشمه و بنیانگذار و مدیرعامل شرکت معدنکاری اولنگ عصاره تمام فضایل و فرهنگ کیمیایی و پرافتخار مس بود. شجاعت و جسارت او در دوران راه‌اندازی و فداکاری و از خودگذشتگی او در روزهای بحرانی مس اوراق درخشانی از پرونده نیم قرن همکاری او در صنعت مس بود.

مصیبت فقدان این مرد بزرگ خانواده مس را به خانواده محترم احمدی‌نژاد و همکاران دلسوخته‌اش در صنعت مس ایران، خاصه بازنشتگان پرافتخار این صنعت عظیم تسلیت می‌گوییم. روحش شاد و یاد عزیزش پر دوام باد.

هیات مدیره و کارکنان شرکت معدنکاری اولنگ

تسلیت

خانواده محترم احمدی‌نژاد

درگذشت مرحوم مهندس احمد احمدی‌نژاد داغی بر دل همه‌ی ما بود. این مصیبت بزرگ را به بازماندگان مهندس احمدی‌نژاد و همکاران او در صنایع مس ایران و شرکت معدنکاری اولنگ تسلیت عرض نموده. بقا عمر بازماندگان و شادی روح آن مرحوم را از درگاه خداوند متعال مسئلت دارد.

هیات امانا موسسه فرهنگی خدماتی سرچشمه رفسنجان
سقاخانه حضرت ابوالفضل (ع)

تسلیت

خانواده محترم مهندس احمدی‌نژاد

در اندوه فقدان مهندس احمدی‌نژاد عضو محترم هیات مدیره مفرغ و بنیانگذار آن شریک شماییم. یاد مجاهدت‌های فرهنگی او هرگز از خاطر اهالی فرهنگ نخواهد رفت. روحش شاد.

مهدی محبی کرمانی
مدیرعامل و رییس هیات مدیره موسسه فرهنگی هنری مفرغ